

حرکت به سوی مدرسه مطلوب از دیدگاه استاد مطهری با استناد به آیات قرآن کریم

لیلا میرزائی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۱۰

سعید بهشتی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۲۲

محسن ایمانی نائینی***

چکیده

این پژوهش با هدف معرفی الگوی مدرسه مطلوب بر اساس تحلیل مبانی انسان‌شناختی استاد مطهری و استناد به آیات قرآن کریم انجام شده است. نوع تحقیق، بنیادی-کاربردی و روش مورد استفاده تحلیلی-استنباطی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای (واقعی و مجازی) اطلاعات جمع‌آوری و ابزار گردآوری اطلاعات نیز فیش‌برداری می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان داد که استاد مطهری، کمال را فعلیت یافتن استعدادها می‌داند و از سه نوع فطرت ادراکی، احساسی و خواستنی نام می‌برد که در مدارس و در فضای تعلیم و تربیت باید رشد داده شوند. در ادامه محققان با نظر به آیات قرآن و مبانی انسان‌شناختی استاد مطهری (ره) به تدوین الگوی مدرسه مطلوب می‌پردازند. مدرسه‌ای که حتی در عصر فناوری اطلاعات نیز اصول ثابت انسانی را پرورش داده و مهارت‌های نرم، فقط شامل مهارت‌های رایانه‌ای و دیجیتال نیست. نگاه همه کارگزاران مدرسه، بر اصل هدایت‌پذیری انسان می‌باشد. در این مدرسه تنها تراز علمی مدرسه، نشانگر لیاقت و شایستگی آن مدرسه محسوب نمی‌شود.

کلیدواژه‌گان: فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، الگو، مدرسه مطلوب، انسان شناختی.

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.

saeedbeheshti321@gmail.com

** استاد و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی.

*** دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس.

نویسنده مسئول: سعید بهشتی

مقدمه

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ﴾ (روم / ۲۰)

«و از نشانه‌های خدا این است که شما را از خاک آفرید و سپس شما به صورت بشر در زمین پراکنده شدید»

ماهیت اصیل و کیستی انسان در "از خدا" و "به سوی خدا" تعریف می‌شود. شناخت صفات پسندیده و لایق انسان و اتصاف او به آن‌ها و در مقابل، شناسایی اخلاق نکوهیده و ناپسند و تهذیب و پاک کردن نفس از آن‌ها در صورتی امکانپذیر است، که انسان را با همه ابعاد وجودی او بشناسیم. شناخت سعادت و کمال مطلق انسان، بستگی به شناخت حقیقت او دارد که سبب شناخت خدای متعال و پیامبران الهی می‌شود و از این رو اسلام به شناخت انسان اهمیت بسزایی داده است، تا جایی که شناخت انسان را سبب هدایت حقیقی دانسته، آن را بهترین شناخت معرفی کرده است. انسان شناختی، تصویری است که فیلسوف از طبیعت آدمی عرضه کرده است که به نوبه خود از مهم‌ترین پایه‌های شکل‌گیری تعلیم و تربیت در جامعه است. بدون شک مدارس نیز تحت تأثیر مبانی فلسفی هستند. یکی از آمالی که خانواده‌ها برای فرزندان خود دارند، ورود فرزندانشان به یک مدرسه مطلوب اسلامی و انسانی است و یکی از آرزوهای کارگزاران مدارس نیز اشتغال در یک مدرسه مطلوب می‌باشد. بی‌شک یک مدرسه مطلوب، دارای فلسفه و منشوری برای تربیت دانش‌آموزان است. آیا می‌توان بدون داشتن فلسفه و دیدگاه مبتنی بر مبانی فلسفی انسان‌شناختی یک مدرسه مطلوب را ترسیم نمود؟ این مقاله در پی ارائه الگوی مدرسه مطلوب با نظر به تحلیل مبانی انسان‌شناختی / استاد مطهری است با استناد به آیات قرآنی مرتبط می‌باشد.

اهداف تحقیق

مبانی انسان‌شناختی از منظر استاد مطهری چیست؟

الگوی مدرسه مطلوب، بر اساس مبانی انسان‌شناختی / استاد مطهری با استناد به آیات

قرآن چه ویژگی‌هایی دارد؟

تعریف اصطلاحات

فلسفه تعلیم و تربیت: عبارت است از بررسی تحلیلی تعلیم و تربیت همراه با کوشش برای ارتباط دادن آن به شیوه‌ای خاص با متافیزیک، اخلاق و معرفت‌شناسی. در اولین شاخه فرعی - یعنی تحلیل - کار فلسفه تعلیم و تربیت عبارت است از روشن‌نگری فهم ما از واژه‌هایی که تعلیم و تربیت به آن‌ها احتیاج دارد. در دومین شاخه فرعی، فلسفه تعلیم و تربیت، سعی در تبیین متافیزیکی بخش واقعی تعلیم و تربیت و تکمیل آن دارد. در سومین شاخه فرعی یا اخلاقی، فلسفه تعلیم و تربیت در صدد توجیه و روشن‌سازی توصیه‌های تعلیم و تربیت است. در چهارمین شاخه فرعی، فلسفه تعلیم و تربیت به دنبال فراهم آوردن یک نظریه یادگیری است که ریشه در معرفت‌شناسی دارد (بهشتی، ۱۳۸۶: ۵۳-۵۴).

الگو: ماهیت و عصاره دانش، اندیشه، و دیدگاه متخصص است که به طور واضح و مختصر بیان شده است (بول، ۱۳۷۵: ۳۷). الگو، ساختاری از نمادها و قواعد تعریف است، که باید مجموعه‌ای از عناصر مرتبط را در ساختار یا فرایندی موجود کنار هم جای دهد (دوچ، ۱۹۵۲، به نقل از مذبوحی، ۱۳۹۱: ۳۵۷).

انسان‌شناختی: هر منظومه معرفتی را که به بررسی انسان، بعد یا ابعادی از وجود او یا گروه و قشر خاصی از انسان‌ها می‌پردازد، می‌توان انسان‌شناختی نامید (رجبی، ۱۳۹۵: ۲۱). همچنین آن دسته از گزاره‌های توصیفی، تبیینی مدلل درباره واقعیت وجود انسان است که از آموزه‌های اسلامی یا معارف اصیل اسلامی در مقام توصیف ویژگی‌های عموم افراد بشر استخراج شده است را انسان‌شناختی نامند (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۴۹).

پیشینه تحقیق

انسان‌شناسی از قرون متمادی در طول تاریخ وجود داشته و در کهن‌ترین فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها ریشه دارد و به شکل تدریجی رو به رشد گذاشته است. در دوران باستان به عنوان (مردم‌شناسی) توسط علما و دانشمندان علم تاریخ، علوم طبیعی و فلاسفه مطرح گردید و بالأخره در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ قرن نوزدهم میلادی، به مثابه یک علم شناخته شد (فکوهی، ۱۳۸۲: ۲۱). در قرن حاضر دانشمندان در روشنایی دستاوردهای علمی و

پژوهش‌های انجام شده تا حدود اندکی توانسته‌اند بعضی از جوانب پوشیده از حقیقت انسان را پاسخ علمی بدهند که هرگز قناعت‌بخش نمی‌باشد. اما انسان‌شناسی در مشرق زمین نیز سابقه طولانی دارد، و هر یک از ادیان و مذاهب، تعبیرها و تفسیرهایی را از انسان ارائه داشته‌اند و اما تاریخچه انسان‌شناسی در اسلام به صورت کل به زمان رسالت نبی اکرم (ص) و ظهور اسلام بازمی‌گردد که برای اولین بار از انسان بحث به عمل آمد و انسان، محور همه امور قرار گرفت و جایگاه عظیم و منزلت بزرگ او به نمایش گذاشته شد. ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾ (عنکبوت/۲۰): «بگو سیر کنید در زمین پس درنگرید چگونه آغاز کرد آفرینش را».

در پژوهش‌های داخلی: صاحبکار (۱۳۸۸) ماهیت انسان را از دیدگاه استاد مطهری، در پذیرش اصالت روح انسان معرفی می‌کند. روحی که منسوب به خداوند است و به همین دلیل از نوعی شرافت و کرامت برخوردار می‌باشد. صالحی و همکاران (۱۳۹۴) در نگاهی جامع به تعلیم و تربیت استاد مطهری می‌نویسند: «استاد بر پرورش انسان مقرب الهی تأکید دارد و پرورش نیروی فکر، حسن مسئولیت اجتماعی، نیروی ایمان، حسن زیباگرایی، نیروی اراده و اختیار و پرورش جسم از جمله اهداف تعلیم و تربیت استاد مطهری می‌باشد. ملکی (۱۳۹۰) اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه استاد مطهری را ارائه نموده و می‌نویسد: در تربیت اسلامی هدف غایی، الهی شدن آدمی است. ملکی، حسن (۱۳۹۴) در بررسی اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه شهید مطهری، اصول هماهنگی با فطرت، اعتدال، جامعیت، تأمین نیازهای واقعی، تأکید بر تربیت در دوران کودکی، توازن، توجه به امور ثابت و متغیر، هدایت‌خواهی، حکمت‌جویی، بهره‌گیری از اراده، تلازم علم و عقل، انسان‌دوستی و اصل جذب و دفع را عنوان می‌کند. سکینه ملکی (۱۳۹۴) مفاهیم انسان‌شناختی، هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی استاد مطهری را مورد بررسی قرار داده و از جمله ویژگی‌های استاد را جامع‌الاطراف بودن ایشان نام می‌برد. در هیچ‌یک از تحقیقات به ارائه مدلی مطلوب از مدرسه با نگاه به مبانی انسان‌شناختی استاد مطهری نپرداخته‌اند. از همین رو محققان در این مقاله با نظر به ضرورت ارائه الگویی کاملاً اسلامی برای مدارس، بر اساس استنتاج از مباحث مرتبط با مبانی فلسفی

انسان‌شناختی/استاد مطهری، نه تنها برای ایران، بلکه جهت استفاده در سایر جوامع اسلامی پرداخته است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، روش تحلیلی- استنباطی است، که از نوع پژوهش‌های کیفی به شمار می‌آید. با توجه به اینکه هدف اصلی از تحقیق، ارائه الگوی مدرسه مطلوب بر اساس تحلیل مبانی فلسفی شهید مطهری می‌باشد، بخشی از این تحقیق دارای ماهیتی فلسفی است، لذا جهت پاسخ به بخش اول آن باید از روشی استفاده نمود، که ریشه در فلسفه داشته باشد. به همین منظور برای دست یافتن به نتایج پژوهش، از روش تحلیل فلسفی و در بخش تدوین الگوی مدرسه مطلوب از روش استنتاجی استفاده شده است. در پژوهش حاضر، پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای در فضای واقعی و مجازی، به شیوه متن‌خوانی و فیش‌برداری و استخراج مبانی انسان‌شناختی، کار مهم و اساسی، طبقه‌بندی مطالب گردآوری‌شده بوده است. برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از منابعی مانند قرآن شریف، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات و فصلنامه‌های علمی- پژوهشی استفاده شده است.

مبانی انسان‌شناختی استاد مطهری (ره)

الف. انسان، حقیقتی است مرکب از جسم و روح

«انسان» شخصی دارد و شخصیتی، تنی دارد و روحی، جسمی دارد و روانی، حساب روان از حساب جسم جداست. انسان مرکب از تن و روان است و روان انسان از تن انسان استقلال دارد و یک تابع مطلق از تن نیست. همچنان که تن، تابع مطلق از روان نیست. این دو در یکدیگر اثر دارند و روان از بدن و بدن از روان هم کار مستقل انجام می‌دهد (مطهری، پیشین: ۱۸-۲۰).

﴿وَلَفَّحَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾

(سجده/ ۹)

«از روح خویش در او دمید و برای شما گوش و دیدگان و دل‌ها قرار داد»

قرآن کریم بر خلاف غرب، به آناتومی معنوی انسان هم می‌پردازد. اگر آناتومی معنوی انسان ارائه نشود، ما پایمان را جای محکمی قرار نداده‌ایم.

ب. انسان، دارای استعدادهای فطری گوناگون است

انسان بر حسب اصل خلقت دارای یک سلسله استعدادهای فطری و از آن جمله فطرت دینی و اخلاقی است. مایه اصلی وجدان انسان، فطرت خدادادی اوست، نه موضوع طبقاتی یا زندگی جمعی یا کار و مبارزه با طبیعت که همه این‌ها در وجدان اکتسابی انسان مؤثرند (مطهری، پیشین، ج ۱۳: ۲). خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ (انسان / ۲)

«ما انسان را از نطفه‌ای آفریدیم که در آن مخلوط‌های زیادی وجود دارد»

مقصود این است که استعدادهای زیادی به تعبیر امروز در ژن‌های او هست.

ج. انسان طالب کمال مطلق است

انسان همیشه طالب چیزی است که ندارد. انسان اگر به آن چیزی که مطلوب حقیقی و واقعی است برسد آرام می‌گیرد. انسان در واقع در عمق ذات خودش گریزان نیست، اگر به آن مطلوب حقیقی برسد، به سعادت حقیقی می‌رسد؛ یعنی به آرامش حقیقی می‌رسد. انسان موجودی است که نمی‌تواند عاشق "محدود" باشد. نمی‌تواند عاشق فانی باشد (۸۱ و ۸۲).

د. انسان آزاد و مختار آفریده شده است

خداوند می‌فرماید: انسان، به مرحله‌ای رسیده است که ما او را مورد آزمایش قرار می‌دهیم، یعنی به حدی از کمال رسیده که او را آزاد و مختار آفریدیم و لایق و شایسته تکلیف و آزمایش و امتحان و نمره دادن قرار دادیم. ولی موجودهای دیگر، چنین شایستگی را ندارند. او را مورد آزمایش قرار دادیم. راه را به او نمایانندیم، آن وقت این خود اوست که باید راه خویشتن را انتخاب کند (مطهری، پیشین: ۳۲-۳۳).

هـ. انسان حقیقت جو است

اینکه انسان می‌خواهد جهان را، هستی را، اشیاء را، آنچنان که هستند، دریافت کند و اساساً آن چیزی که به نام «حکمت» و «فلسفه» نامیده می‌شود، هدفش همین است. نام این را می‌توانیم حسّ فلسفی هم بگذاریم. مسأله حقیقت‌جویی از نظر فیلسوفان همان کمال نظری انسان است. در روان‌شناسی این حس را به نام حسّ حقیقت‌جویی و یا «حسّ کاوش» مطرح می‌کنند. این حس بستگی دارد به اینکه انسان چقدر آن را تربیت کرده و پرورش داده است (همان: ۷۴-۷۸).

و. انسان دارای گرایش‌هایی خارج از خود محوری است

انسان در وجود خود، برای این گرایش‌ها یک نوع قداست قایل است. انسان به هر میزانی که از این گرایش‌ها برخوردار باشد، او را انسان متعالی‌تر می‌کند. این گرایش‌ها، شکل انتخاب آگاهانه دارد و ملاک و معیار انسانیت شناخته می‌شود (۵۳-۷۳).

۱. گرایش به عشق و پرستش در انسان

از قدیم‌ترین ایام، پرستش خدای یگانه وجود داشته است و این را دیرینه‌شناسی نیز ثابت کرده است. دین جان دارد؛ یعنی فطری است، فطرت بشر را نمی‌شود کشت (۸۵-۱۱۶). انسان خود حقیقی‌اش را در عبادت و در توجه به ذات حق پیدا می‌کند و می‌یابد (مطهری، ۱۳۶۱: ۲۰۶). قرآن می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات/۵۶): «و جنّ و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا پرستش کنند».

۲. گرایش به خیر و فضیلت

این گرایش‌ها از مقوله اخلاق است. اموری هست که انسان به آن‌ها گرایش دارد، نه به دلیل اینکه منفعت است بلکه به دلیل اینکه فضیلت و «خیر عقلانی» است. فضیلت دو نوع است: بعضی فردی است و بعضی اجتماعی. فردی مثل گرایش به نظم و انضباط، گرایش به تسلط بر نفس، آن چه که ما مالکیت نفس می‌نامیم و گرایش اجتماعی مانند: گرایش به تعاون، کمک دیگران بودن، با یکدیگر کار اجتماعی کردن، گرایش به احسان و نیکوکاری و مانند این‌ها (۷۹-۸۴).

۳. گرایش به تعالی

خداوند به معترضین به سرشت انسان فرمود: شما گرایش‌های حیوانی و طبیعی انسان را دیده‌اید، ولی گرایش‌های معنوی و الهی و انسانی او را ندیده‌اید. فطرت انسانی را ندیده‌اید. در انسان، فطرتی قرار دادم که به موجب آن به حسب مطبوع و میل خودش، فارغ از هرگونه ایدئولوژی، این اقتضا یعنی گرایش به تعالی در ذات و سرشت او است (مطهری، پیشین: ۵۲).

۴. گرایش به جمال و زیبایی

در انسان گرایش به جمال و زیبایی چه به معنی زیبایی دوستی و چه به معنی زیبایی آفرینی که نامش هنر است، به معنی خلق وجود دارد و هیچ کس از این حس فارغ نیست (همان).

۵. گرایش به خلاقیت و ابداع

این گرایش در انسان هست که می‌خواهد خلق کند و بیافریند و چیزی را که نبوده است به وجود بیاورد. علم برای بشر هم مطلوب بالذات است و هم مطلوب بالغیر، یعنی علم هم برای ذات خودش مطلوب است و هم وسیله‌ای است برای حل مشکلات بشر. فردیت نیز همین طور است، شما در دانش‌آموزان بهتر تجربه کرده‌اید و می‌دانید که بچه، وقتی چیزی را خلق و ایجاد می‌کند، به او سرور و فرح دست می‌دهد و احساس شخصیت در خودش می‌کند و این تمایل در هر انسانی هست، که می‌خواهد آفریننده باشد (۷۹-۸۴).

۶. گرایش به جاودانگی

طبق نظر اسلام، انسان یک حقیقتی است که نفخه الهی در او دمیده شده و از دنیای دیگری آمده است و با اشیایی که در طبیعت وجود دارد، تجانس کامل ندارد. انسان در این دنیا یک نوع احساس غربت و احساس بیگانگی و عدم تجانس با همه موجودات عالم می‌کند، چون همه فانی و متغیر و غیرقابل وابستگی هستند، ولی در انسان دغدغه جاودانگی وجود دارد. این درد، همان است که انسان را به عبادت و پرستش خدا و راز و نیاز با خدا و به اصل خود نزدیک شدن می‌کشاند (مطهری، ۱۳۶۹: ۶۲-۶۹).

ز. انسان دارای قدرت تفکر است

در باب فطریات انسان در ناحیه شناخت و ادراک، استاد معتقد است که انسان در ذهن خود هزاران تصوّر و تصدیق دارد که اکثریت آن‌ها اکتسابی هستند. نظریه حکمای اسلامی این است که انسان بعضی چیزها را بالفطره می‌داند که آن‌ها البته کم هستند. اصول تفکر انسانی که اصل مشترک تفکرات همه انسان‌هاست اصولی فطری هستند و شاخه‌های تفکرات، اکتسابی می‌باشند (مطهری، پیشین: ۴۷-۵۶).

﴿وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (یونس / ۱۰۰)

«و پلیدی را برای کسانی قرار می‌دهد که تعقل نمی‌کنند»

ح. انسان صاحب اراده و اختیار است

استاد مطهری یکی از وجوه تمایز انسان با حیوان را در کیفیت قرار گرفتن تحت تأثیر جاذبه‌ها و انتخاب آن‌ها می‌داند (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۶) و از این نظر به مسأله اراده و اختیار انسان اشاره می‌کند. وی در اهمیت اراده و اختیار انسان می‌گوید: «انسان آن چیزی نیست که آفریده شده است، بلکه آن چیزی است که خودش بخواهد باشد. آن چیزی است که مجموع عوامل تربیتی و از آن جمله با اراده و انتخاب خودش آن را بسازد (همان: ۶۶). قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾: «شکیبایی و تقوای پیشگی، نشانه تبلور قدرت اراده شماست» (آل عمران / ۱۸۶).

ط. انسان دارای عناصر متضاد است

انسان موجودی است مرکب از نور و ظلمت و همین ترکیبش از این دو حقیقت، او را از هر موجودی بالاتر برده است، از فرشتگان گرفته تا مادون فرشتگان. انسان در درون خودش دارای دو سرشت علوی و سفلی است که در حال جهاد و مبارزه با یکدیگر می‌باشند. آن‌ها که در درونشان، نیروهای علوی توانسته‌اند نیروهای سفلی را در کنترل عادلانه خودشان قرار بدهند، به تعبیر قرآن، شکوهمندترین مبارزات انسان را دارند که مبارزه میان اهل حق و اهل باطل است (۵۳-۵۴).

ی. انسان دارای زمینه هدایت و توبه است

به حکم اینکه هر فردی بالفطره انسان متولد می‌شود، در هر انسانی ولو پلیدترین انسان‌ها استعداد توبه و بازگشت و پندپذیری هست. لهذا پیامبران مأمورند حتی پلیدترین افراد و دشمن‌ترین دشمنان خود را پند و اندرز دهند و فطرت انسانی آن‌ها را بیدار سازند، چنانچه سود نکرد، به نبرد با آن‌ها برخیزند (۳۴).

ک. انسان یک شخص واحد اما با مراتب وجود است

خداوند به انسان درجه‌ای از روح و روان داده که از خود انسان در دنیا حساب می‌کشد. انسان یک شخص واحد و یک شیء واحد است که این پله‌ها را طی می‌کند. اما نفس، در درجات مختلف هست، درجاتش هم مربوط به این است که در چه درجه‌ای از توجه و آگاهی و تذکر و صفا و نبودن حجاب‌ها و داشتن ایمان و تعین بیش‌تر باشد و الا همان یکی است، انسان دو من ندارد (۲۳۴).

ل. کمال انسان در تعادل و توازن او است

کمال انسان در تعادل و توازن اوست، یعنی انسان با داشتن این همه استعدادها و گوناگون، زمانی انسان کامل است که فقط به سوی یک استعداد گرایش پیدا نکند و استعدادها را دیگرش را مهمل و معطل نگذارد و همه را در یک وضع متعادل و متوازن همراه هم رشد دهد. علما می‌گویند: اساساً حقیقت عدل، به توازن و هماهنگی برمی‌گردد (همان: ۳۳).

م. شخصیت انسان، متأثر از خصایص اخلاقی و روانی او است

استاد می‌فرماید: چون شخصیت انسان به خصایص اخلاقی و روانی اوست، اگر خصایص اخلاقی و روانی یک انسان، خصایص و اخلاقی یک درنده بود، او واقعاً مسخ شده است؛ یعنی روحش حقیقتاً مسخ و تبدیل به یک حیوان شده است. هرچه را که بپرستیم، همان می‌شویم. اگر پول‌پرست شویم، پول جزء ماهیت ما و جزء وجود ما می‌شود. این یکی از چیزهایی است که انسان را مسخ می‌کند (۲۴-۲۷). زیانکار واقعی آن

است که خودش را باخته، «نسیان خود» یعنی خود را فراموش کردن (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۵۴-۱۶۳).

ن. انسان خالق ارزش‌ها نیست

انسان از امور اعتباری و قراردادی فقط به عنوان یک وسیله می‌تواند استفاده کند. ما به یک غیرایرانی فقط از طریق قرارداد می‌توانیم اعطای ایرانیت کنیم و به حسب قرارداد او را جزء خودمان قرار دهیم و این قرار داد یک وسیله است و امری اعتباری است و فقط همین قدر ارزش دارد که می‌تواند وسیله‌ای برای یک امر عینی قرار بگیرد، ولی امر اعتباری نمی‌تواند، برای انسانی که آن را اعتبار و فرض کرده، هدف واقع شود. این مسأله مهمی که گفته شود انسان خالق ارزش‌های خودش است، از موهوم‌ترین موهومات است (مطهری ۱۳۷۲: ۴۹).

مدرسه مطلوب از دیدگاه انسان‌شناختی شهید مطهری

با نظر به آنچه که بر اساس مبانی انسان‌شناختی / استاد مطهری مورد تحلیل قرار گرفت، می‌توان یک مدرسه مطلوب از منظر تحلیل مبانی انسان‌شناختی ایشان را با ویژگی‌هایی به شرح زیر توصیف کرد:

در مدرسه مطلوب، تمام برنامه‌ریزی‌ها در جهت تکامل دانش‌آموزان است. در این مدرسه فراگیران با استعداد‌های مختلف وارد می‌شوند و کارگزاران مدرسه تمام تلاش خود را در جهت کمال، یعنی فعلیت یافتن استعداد‌های ایشان به کار می‌برند. ویژگی فوق، از این مبنای استاد در بحث انسان‌شناختی ریشه می‌گیرد که «کمال» یعنی فعلیت یافتن استعدادها و قوه‌ها در انسان. هر فرد حداقل دارای یک استعداد ویژه در درون خود بوده و در آن مورد بسیار خوب عمل می‌کند. کشف سریع استعدادها به فرد کمک می‌کند تا علاوه بر مفید بودن برای جامعه، منبع الهامی برای دیگران باشد. معلمان از آن جایی که نظاره‌گر نقاط ضعف و قدرت دانش‌آموزان هستند، می‌توانند نقش مهمی در کشف استعداد‌های ایشان داشته باشند. آن‌ها بهتر از والدین می‌توانند، این نقاط قوت را بیابند و با تشویق و صرف زمان بیش‌تر در جهت پرورش ویژگی‌های برجسته گام بردارند (هاشمی، خبازی کناری و کاظمی، ۱۳۹۷: ۴-۱).

انسان ترکیبی از جسم و روح است که در مدرسه مطلوب، باید به پرورش هر دو بعد اهمیت داده شود. اما روحش، حقیقی است. آیاتی مانند آیه ۶۷ غافر و ۷ سجده حاکی از حاکی بودن انسان و آیاتی مانند ۹ سجده و ۷۶ ص، حاکی از عرشی بودن او است و آیات ۱۱ تا ۱۴ سوره مبارکه مؤمنون به این ترکیب مقدس اشاره نموده و آن را با جمله «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» مورد ستایش قرار داده است. البته قابل توجه است که اگر سیاستگذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و یا آموزش‌ها و رهنمودهای مربیان، صرفاً در بعد پرورش روح و روان باشد، چه بسا فراگیران را از رعایت اصول بهداشت، پرورش بدن و فراهم آوردن تغذیه درست و کامل، تفریح، ورزش و لذت‌جویی‌هایی که پیش‌نیاز سلامت و نشاط بدن است دور نماید. نگرش ابزاری به بدن نباید به قیمت رها کردن آن یا بی‌تفاوتی در تأمین خردمندان و واقع‌گرایانه نیازهای آن باشد. پس مدرسه مطلوب در تأمین نیازهای بدن و تقویت آن نباید در جا بزند یا بی‌تفاوت باشد. استاد می‌فرماید: «انسان حقیقتی است مرکب از روح و بدن. حقیقت‌جویی از خواسته‌های مربوط به روح انسان است» (علیزاده، ۱۳۹۰: ۲۴). اما از آنجا که میانه‌روی در هر عملی پسندیده است، میانه‌روی در خوردن و آشامیدن را خداوند در آیه ۱۲ سوره محمد (ص) فرموده و ابتدا انسان را به خوردن و نوشیدن فرا می‌خواند و در پایان او را از پرخوری و اسراف بر حذر می‌دارد (اکران و گلی، فصلنامه مطالعات قرآنی، ۱۳۹۴: ش ۲۲، ۱۷۲) که لا جرم باید جزء آموزش‌های این مدرسه باشد.

در تحلیل مبانی انسان‌شناختی استاد مطهری، مدرسه‌ای مسیر مطلوب را طی می‌کند که پرورش عقلی یکی از برنامه‌های آن باشد تا فراگیران با کمک آن به کشف جهان بپردازند، نه صرفاً تقلید کردن. اما باید این مهم را نیز در نظر بگیرند که پرورش عقل، تنها بخشی از برنامه‌های آن باشد نه تمام آن. ویژگی مذکور، از آن بخش از فرمایشات استاد برگرفته شده است که می‌فرماید: «در هیچ دینی از ادیان دنیا به اندازه‌ی اسلام از عقل، یعنی از سندیت و حجیت عقل حمایت نشده است. اما نه به عنوان تمام هستی انسان، بلکه به عنوان بخشی از وجود انسان». مدرسه مطلوب، مدرسه‌ای است که به پرورش تفکر در دانش‌آموزان بپردازد، اما با در نظر گرفتن این اصل که اصول اولیه تفکر فطری است، نه به معنای مادرزادی بودن تفکر، بلکه به معنای

وجود این استعداد در فراگیران. در این مدرسه فکر کردن از مختصات فراگیران است، بنابراین آموزش‌ها صرفاً حافظه‌پرور و کلیشه‌ای نمی‌باشد. برای اینکه دانش‌آموزان خوب تربیت شوند، باید متفکر و دارای بینش علمی باشند و این تنها در سایه انتقال اطلاعات به ذهن شاگردان حاصل نمی‌شود، بلکه در برنامه‌های مدارس باید روش‌هایی گنجانده شود که از آن طریق دانش‌آموزان قابلیت‌های چگونه آموختن را از طریق نظم فکری بیاموزند. تفکر پایه ادراک و یادگیری را تشکیل می‌دهد. حل مشکلات زندگی در سایه تفکر و تعقل صورت می‌گیرد (نوربخش، به نقل از مرکز یادگیری تبیان، ۱۳۹۰). برای پرورش تفکر در دانش‌آموزان لازم است با ایشان خردمندانه رفتار شود تا خردمندانه پرورش یابند. برخورد خردمندانه به این معناست که تمام ابعاد تحصیل، اصولاً و در هر مقطعی باید از لحاظ عقلانی قابل توجیه باشد. باید دلایل محکمی برای کاربرد برنامه درسی، کتب آموزشی، آزمون‌ها و روش‌های تدریسی که به جای سایر برنامه‌ها، کتب و روش‌ها گزینش کرده‌ایم وجود داشته باشد. منطق چنین حکم می‌کند، کودکانی که در نهادهای خردمند پرورش می‌یابند، نسبت به آن‌هایی که تحت شرایط غیر عقلانی رشد می‌یابند، قابلیت بیش‌تری برای خردمند شدن دارند. مدارس مبتنی بر اصل خرد، مستعد تربیت والدین خردمند آینده، شهروندان و ارزش‌های خردمند هستند (اسلامی و سیدی، ۱۳۹۰: ۱۳).

مدرسه مطلوب، حس فلسفی را در دانش‌آموزان پرورش می‌دهد. یعنی به حس حقیقت‌جویی یا مقوله دانایی یا مقوله دریافت واقعیت جهان در برنامه‌هایش برای فراگیران توجه دارد. پس مدرسه مطلوب باید این توانایی را داشته باشد که دانش‌آموزان را به حس کاوش برساند و در این شرایط است که دانش‌آموزان به لذت کشف حقیقت خواهند رسید و این لذت را بالاتر از هر لذتی خواهند دانست. بنابراین انتخاب روش‌های تدریس کاوشگرانه و حل مساله توسط فراگیران از اهم فعالیت‌های مربیان در این مدرسه می‌باشد (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۷۰-۱۷۱).

توجه به شیوه‌های زیر می‌تواند زمینه کسب بینش را برای دانش‌آموزان فراهم سازد. تأکید بر مقایسه مثلاً آیه ۵ سوره کهف را که نشانگر جن بودن شیطان است، با آیه ۳۴ سوره بقره که ظاهرش فرشته بودن شیطان است مقایسه کنند. تشویق به حدس زدن

برای مثال از شاگردان بخواهند حدس بزنند، که چرا در آیه ۵۵ سوره مائده عبارت جمع «الذین آمنوا» به /میر/المؤمنین(ع) اطلاق شده است؟ تهییج آگاهی مثلاً از دانش‌آموزان بخواهند، آیه ۱۱ سوره نور را تحلیل کنند، که چرا در آن شایعه پراکنی علیه مؤمنان را مایه خیر برای آن‌ها دانسته است؟ عوض کردن موضوع: برای مثال پس از آن که شاگردان را متقاعد کردند که عبارت جمع «الذین آمنوا» می‌تواند بر یک فرد اطلاق شود، از آن‌ها سؤال کنند که چرا در آن آیه ولایت به معنای «سرپرستی» و نه به معنای «دوستی» به کار رفته است (بیلر، ترجمه کدیور، ۱۳۹۰: ۲۵۷-۲۷۲)؟

مدرسه مطلوب در بعد انسان‌شناختی گرایش به خیر و فضیلت را در فراگیران خود پرورش می‌دهد. هم در بعد فردی مانند تسلط به نفس یا به عبارتی مالکیت نفس و چه در بعد اجتماعی مانند گرایش به تعاون، با یکدیگر کار کردن و احسان و نیکوکاری و اینکه انسان به مرحله‌ای برسد که معبودش، هوای نفس خودش نباشد. این ویژگی از انواع فطریات احساسی و ادراکی استاد گرفته شده است. استاد، گرایش به خیر و فضیلت را از مقوله اخلاق می‌داند.

مدرسه مطلوب به سوی خلاقیت و ابداع در حرکت است. زیرا گرایش به خلاقیت و ابداع در انسان وجود دارد، او می‌خواهد خلق کند و بیافریند و مدرسه باید محلی برای پرورش این گرایش باشد. استاد در بحث انواع فطریات، در بخش گرایش به خلاقیت و ابداع می‌فرماید: «بچه‌ها وقتی چیزی را خلق و ایجاد می‌کنند، به آن‌ها سرور و فرح دست می‌دهد و احساس شخصیت در خود می‌کنند و این تمایل در هر انسانی هست که می‌خواهد آفریننده باشد». خلاقیت به منزله مرگ و حیات یک جامعه است. برای مقابله با استرس و فشارهای زندگی امروز، اسلحه‌ای بهتر از خلاقیت وجود ندارد (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۷).

﴿یسأله من فی السموات والارض کل یوم هو فی شأن﴾ (رحمان / ۲۹)

«موجودات آسمان‌ها و زمین محتاج اویند و هر لحظه او مشغول انجام

کاری است»

از آیه چنین استفاده می‌شود که خداوند پیوسته ما را به تفکر در آفرینش و نوآوری مستمر الهی رهنمون می‌سازد. کارهای الهی تقلیدی نیست بلکه سرشار از ابتکار و

نوآوری است. نیاز همیشگی موجودات، لطف و فیض همیشگی خدا را درخواست می‌کند و او هر لحظه دارای فیضی جدید و پیوسته برای آفریده‌ها می‌باشد. توجه به آیات قرآن نشان می‌دهد که قرآن اهمیت بحث نوآوری را مورد توجه قرار داده و همواره محیط پیرامون و طبیعت را به عنوان مظهر نوآوری‌ها بیان کرده و انسان‌ها را به تفکر در آن دعوت نموده است.

﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ﴾ (فصلت / ۵۳)

«به زودی نشانه‌های خود را در عرصه‌های گوناگون و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا حقیقت برایشان روشن گردد»

از نظر قرآن نواندیشی و نوآوری در اندیشه برای اصلاح گذشته یک اصل مسلم و ضروری است؛ زیرا قرآن تقلید از باورهای باطل و کهنه پدران را بسیار نکوهش کرده و به خردورزی و راهیابی دعوت می‌کند. قرآن انسان‌ها را به نواندیشی در مسیر هدایت دعوت کرده تا هم خرده‌های آنان را بیدار نماید و هم راه‌های تازه‌ای را فراروی انسان‌ها بگشاید و آن‌ها را به هدایت برساند.

از جمله دیگر ویژگی‌های مدرسه مطلوب این است که با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات سنی و جنسی فراگیران، ایشان را مرحله به مرحله، آموزش تهذیب و تزکیه نفس بدهند.

﴿رَبَّنَا وَإِعْتِ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يُتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (بقره / ۱۲۹)

«پروردگارا برانگیز در میان ایشان رسولی از خود ایشان که آیات تو را بر ایشان تلاوت کند و کتاب و حکمت بیاموزدشان و تزکیه‌شان نماید که تو عزیز و حکیم هستی»

پرسوگندترین سوره‌ها سوره شمس است که طبیعتاً باید در مورد مهم‌ترین مسائل باشد و آن تزکیه روح از هرگونه پلیدی و آلودگی است. شاید این همه سوگند برای بیان اینکه رستگاری در سایه تهذیب است به خاطر آن باشد که خداوند به انسان بفهماند که من تمام مقدمات را برای تو آماده کرده‌ام و با نور آفتاب و ماه، صحنه زندگی را روشن و با گردش شب و روز، زمینه تلاش و استراحت شما را فراهم کردم تا به اختیار خود راه

تزکیه را بپیمایید(بهزادپور، فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۲۲: ۸۰). اما کارگزاران این مدرسه باید در نظر داشته باشند که پرورش دل نباید به افراط کشیده شود و تمام برنامه‌های واحد آموزشی را تحت‌الشعاع خود قرار دهد، بلکه در کنار پرورش دل، همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، نباید عقل و علم تحقیر و بلکه فراموش شوند. بنابراین در این مدارس، تربیت انسانی جامع مدّ نظر است، انسانی که هم در خلوت باشد و هم در اجتماع، هم دلش پرورش یابد و هم عقلش. ویژگی مذکور، از آن بخش از مبانی انسان‌شناختی استاد استنتاج شده است که انسان، گرایش به فضیلت و تعالی دارد.

با توجه به اینکه انسان دارای ابعاد شناختی، عاطفی، رفتاری و اجتماعی است در مدرسه مطلوب، توجه به تمام این ابعاد مورد توجه است. بعد شناختی انسان با آموزش دادن رشد می‌کند، اما این آموزش در صورتی منجر به رفتار دینی در دانش‌آموز می‌شود که انگیزه‌ای برای عمل کردن وجود داشته باشد. منظور از این انگیزه همان شناخت ذهنی و باور قلبی و محبت و علاقه نسبت به اصول اعتقادی، اخلاقی و احکام است. یکی از عوامل ایجاد ایمان، گرایش دو طرفه و پیوند عاطفی بین مربی و متربی است. با این جاذبه راه معلم برای الگو شدن بازتر می‌شود(نساجی زواره، ۱۳۹۴: ۲۵-۳۰). پس معرفی انسان‌های متعادل در مدارس مطلوب می‌تواند نقش کلیدی در پرورش متربیان متعادل داشته باشد.

در بحث تربیت هیچ مدیر و هیچ کارگزار تربیتی نمی‌تواند خویشاوندی خاص فطرت را با مسأله تربیت نادیده بگیرد. پس مدرسه مطلوب، مدرسه‌ای است که مسأله برخورداری انسان از فطرت را اصل و اساس کار خود قرار دهد و منظور استاد از فطرت، ویژگی‌هایی است که در اصل خلقت و آفرینش انسان وجود دارد و مدرسه مطلوب، مدرسه‌ای است که در تمام برنامه‌ریزی‌ها و اجراهای خود، رنگی را که در ابتدا خداوند در متن خلقت به روح و روان بشر زده است در نظر بگیرد و در این میان اولین مسأله، مسأله توحید است که امری است فطری، نه تکوینی و نه اکتسابی و نیازی به استدلال ندارد. این ویژگی از بحث فطرت انسان استنتاج شده است که استاد می‌فرماید: «هر مولودی که متولد می‌شود، بر فطرت الهی، بر فطرت اسلامی، به دنیا می‌آید و در بخش فطرت احساسی که فرمود: توحید فطری است و توجّه به خدا و توجّه به دستورهای دین

فطری انسان است». در مدرسه مطلوب، به سه نوع فطریات انسان، یعنی خواستنی‌ها، اعم از جسمی و روحی و ادراکی و احساسی توجه می‌شود و تمام برنامه‌های تربیتی و آموزشی در جهت پرورش هر سه دسته فطریات است. ویژگی مهمی که در دین اسلام برای معلم و مربی آمده است، آغاز تربیت فطری از خود معلم و مربی است و آگاهی از مسائل تربیتی، اساس انتخاب یک فرد برای حرفه معلمی است (نساجی زواره، پیشین: ۱۲۹). دانش‌آموز از طریق مشاهده و تقلید کردن، به درون معلم می‌رود و گفتار و رفتارش را الگو قرار می‌دهد. بنابراین یک معلم برای موفقیت در امر تربیت دانش‌آموزان، باید تربیت را از خود شروع کند. ابتدا خودش نسبت به دین اسلام شناخت کافی و علاقه پیدا کند، سپس ایمان و روحیه تسلیم را در خود قوی و اعتقاداتش را کامل کند (ماوردیانی، ۱۲۸: ۱۳۸۰).

الگو شدن معلم، نیاز به گرایش دوطرفه بین معلم و دانش‌آموز دارد. اگر معلم در نظر دانش‌آموز، فردی محبوب و دوست داشتنی باشد، تأثیرش بیش‌تر است. اگر کسی متخلق به اخلاق الهی باشد، محبتش در دل‌ها جای می‌گیرد: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾: «کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبت آن‌ها را در دل‌ها می‌افکند» (مریم/۹۶). معلم صبور، باانصاف، عفیف و باتقوا و به دور از رذایل اخلاقی، محبتش را در دل‌ها جای می‌دهد و در این صورت می‌تواند راحت‌تر در دانش‌آموزان نفوذ کند و به تربیت آنان بپردازد (همان: ۱۷۷-۱۷۸). ایجاد آمادگی در کودکان از نظر روحی، روانی و عاطفی نسبت به عبادت ضروری است. این اصل افزون بر تأکید نسبت به عبادت، باعث آمادگی پذیرش و انجام تکالیف شرعی و همچنین جلوگیری از کم‌توجهی کودکان نسبت به مسائل عبادی می‌شود. بر اساس اصل آماده‌سازی ضروری است، پیش از آنکه احکام و اعمال عبادی در حق کودکان به مرحله وجوب برسد، زمینه‌های رویارویی صحیح با احکام و اعمال عبادی را در آنان ایجاد کرد (ملکی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

مدرسه مطلوب نه تنها درس هنر را فدای دروسی چون ریاضی و علوم و مانند این‌ها نمی‌کند بلکه گرایش به جمال و زیبایی را چه به معنی زیبایی دوستی و چه به معنی زیبایی آفرینی در دانش‌آموزان تقویت نموده و پرورش می‌دهد. استاد اشاره می‌فرماید

که: گرایش به جمال و زیبایی چه به معنی زیبایی دوستی و چه به معنی زیبایی آفرینی که نامش هنر است، به معنی مطلق در انسان وجود دارد و هیچ کس از این حس فارغ و خالی نیست. امروزه متخصصان تعلیم و تربیت اذعان دارند زمانی یادگیری به بهترین نحو صورت می‌گیرد که توأم با عمل باشد. لذا هنر و فعالیت‌های هنری بهترین فرصت را برای یادگیری بهتر فراهم می‌آورد. هنر نه تنها منجر به یادگیری عمیق‌تر می‌شود، بلکه در ایجاد خودپنداره مثبت در افراد و افزایش توانایی تخیل و خلاقیت در آن‌ها مؤثر است (حسینی، پیشین: ۹۸-۹۹).

مدرسه مطلوب گرایش به عشق و پرستش به خداوند را که خود از مقوله فطرت است در فراگیران تقویت نموده و پرورش می‌دهد. پرستش معشوق حقیقی، یعنی ذات مقدس باری تعالی که به آرامش حقیقی برسند. این ویژگی از آن بخش از فرمایشات استاد استنباط شده است، که گرایش به عشق و پرستش را برگرفته و ناشی از فطرت انسان می‌داند که با حساب‌های مادی جور در نمی‌آید.

در مدرسه مطلوب، فراگیران و کارگزاران، همه هم معلّم هستند و هم متعلّم، آن‌ها از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این ویژگی مدرسه مطلوب، از بیانات استاد در بخش ویژگی‌های انسان‌شناختی استنباط شده است که می‌فرماید: «انسان صرفاً منفعل نیست. از یک طرف می‌دهد و از طرف دیگر می‌گیرد، نسبت به یک فرد متعلّم است و نسبت به فرد دیگر معلّم».

مدرسه مطلوب مدرسه‌ای رو به تکامل است با دانش‌آموزان رو به تکامل. اما این تکامل باید بر مبنای معیار یا معیارهایی صورت گیرد و گرنه به فرموده استاد، هر تغییری که تکامل نیست. تکامل به این معنی است که دانش‌آموز هر آنچه را که در مرحله قبل داشته است، در مرحله بعد به نحو بیش‌تر و کامل‌تر و افزون‌تر داشته باشد و از همه مهم‌تر، تکامل در انسانیت است. در یک نظام آموزشی و پرورشی اسلامی، هدف پایانی چیزی جز فراهم آوردن هرچه بیش‌تر زمینه تکامل انسان‌ها برای خداگونه‌تر شدن نیست. این ویژگی، از پاسخ استاد به ویژگی‌های انسان، گرفته شده است که گرایش به تعالی در ذات و سرشت انسان وجود دارد. در دنیای به اصطلاح مدرن و صنعتی امروز، مدرسه مطلوب مدرسه‌ای است که آموزش دین و دینداری را در برنامه‌های خود به

گونه‌ای طراحی و اجرا نماید که بر خلاف آنچه امروز دشمنان دین و مذهب ادعا می‌کنند، بنا به گفته *استاد مطهری* فراگیران بدانند که دین مولود جهل نیست، اگر این طور باشد، پس در بین طبقه علما، نباید دینداری وجود داشته باشد.

عبادت قرار دادن همه ابعاد زندگی در مسیر خواست و رضای الهی است. این گونه رنگ خدایی زدن به کارها، تأثیرات مهمی در زندگی انسان دارد. انسان همه تلاش‌هایش از بین رفتنی است؛ اما آنچه برای رضای خدا انجام بگیرد، به صورت ذخیره در می‌آید و باقی است (حکمت آرای و سلطانی، فصلنامه مطالعات قرآنی، ۱۳۹۵، ش ۲۵: ۱۰۸).

﴿مَاعِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَاعِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

(نحل/۹۶)

«آنچه نزد شماست فنا می‌شود و آنچه نزد خداست ماندنی است و هر آینه کسانی را که صبوری نمودند بهتر از آنچه عمل می‌کردند پاداش می‌دهیم» تربیت عبادی و دینی از چند جهت ضرورت دارد: نخست آنکه عبادت بخشی از دین اسلام است و بدون تربیت عبادی، تربیت دینی ناقص خواهد بود، دوم آنکه عبادت، رشددهنده و تقویت‌کننده ایمان و به عبارتی، مکمل ایمان و اعتقادات است. سوم آنکه تربیت اعتقادی بدون توجه به عبادت و تربیت عبادی ارزش ندارد، همچنان که درخت میوه‌ای که به بار ننشیند ارزش ندارد (داودی، پیشین: ۱۰۸). در بحث تربیت دینی هدف و غایت اصلی تعبد متربی در برابر دستورهای خداوند است، پس صرف شناخت و تحریک عواطف و هیجانات درباره خداوند کافی نیست، بلکه این‌ها مقدمه‌ای برای ایجاد روحیه تعبد در متربی است، چنانکه اصل دین و حتی هدف از خلقت جن و انس نیز تعبد در برابر خداوند ذکر شده است (ابوطالبی، ۱۳۸۶: ۹۴).

در مدرسه مطلوب آموزش داده می‌شود که هر قدر هم صنعت پیشرفت کند و اجتماع خود را پیشرفته بداند، اما اصول اخلاق انسانی یکی است. این ویژگی از مباحث استاد در بخش تکامل در انسانیت استنتاج شده است. انسان در امر قراردادی، در وسایل می‌تواند قرارداد کند، نه در هدف‌ها، معیارهای انسانیت ثابت است، چراکه ریشه‌اش فطرت انسانی است. در این مدرسه، اینکه انسان موجودی اجتماعی است، جزو اساس برنامه‌ریزی‌ها می‌باشد. زندگی آدمی در یک بستر و زمینه اجتماعی امکانپذیر می‌باشد،

برنامه‌ریزان این مدارس فراگیران را با این دانش‌ها و مهارت‌ها آشنا می‌سازند. آن‌ها برنامه‌ها و محتواهایی را طراحی و اجرا می‌کنند که مدرسه و جامعه دوشادوش هم پیش روند. این ویژگی مدرسه مطلوب، از مبحث حس اجتماعی انسان که توسط استاد مطهری ارائه شده، استنباط شده است. اجتماعی شدن به معنی هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها و هنجارها برای هماهنگی و سازگاری با افراد دیگر جامعه است. بر همین مبنا تربیت اجتماعی به معنای سازگار شدن افراد جامعه با معیارهای خاص آن جامعه است تا بتوانند در فعالیتهای اجتماعی شرکت کنند (افخمی اردکانی، ۱۳۹۰: ۶). سلامت جامعه و دستیابی به مردمانی رضایتمند، امیدوار، پرتلاش، آگاه و خردمند جز با رعایت اصول ضروری اخلاق در روابط اجتماعی میسر نیست. چنانکه خداوند به صراحت می‌فرماید: «سعادت و ضلالت هر جامعه در گرو عملکرد مردمان آن جامعه است و سرنوشت هر امت فقط به دست خودشان تعیین می‌گردد» (رعد / ۱۱).

مدرسه مطلوب در جلساتی که برای والدین برگزار می‌کند، به ایشان متذکر می‌شود که هر مولودی بر فطرت الهی متولد می‌شود، این والدین و محیط می‌باشد که این‌ها را تغییر می‌دهند. این ویژگی مدرسه مطلوب، حول محور بحث فطریات استاد می‌باشد. خارج از خودمحوری، انسان در وجدان خود برای این گرایش‌ها یک نوع قداست قائل است.

در انسان جنبه‌ای از فرشته بودن و جنبه‌ای حیوانی، یعنی دو گرایش متضاد وجود دارد و مدرسه مطلوب، مدرسه‌ای است که با تقویت اراده، او را به سمت و سوی هدایت کند که فراگیر با اختیار خودش گرایش آسمانی را انتخاب نماید. استاد در مباحث انسان‌شناختی خود به این نکته اشاره دارد که انسان گرایشی رو به بالا و گرایشی رو به پایین دارد. خدا به او عقل داده است که خودش از این دو، یکی را انتخاب کند (ملکی، پیشین: ۱۱۰).

مدرسه مطلوب تمام برنامه‌ها و عملیات‌های تربیتی خود را حول محور محبت اداره می‌کند. این ویژگی از فرموده استاد استنباط شده که راز آفرینش، محبت است. آن‌ها می‌دانند که تربیت و آموزش به خصوص در کودکی باید با مهر و محبت به او انجام گیرد، نه سختگیری و کیفر، زیرا سبب می‌شود که کودک علاوه بر سرد شدن از

یادگیری و تحصیل، دروغگو بار آید و در تربیت بدنی، اخلاقی، اجتماعی، و وجدانی او اثر منفی بگذارد (معنیان و صفائی، ۱۳۸۸: ۱۷۹). در واقع، نیروی محبت از نظر تربیتی، نیرویی عظیم و کارساز است و بهترین تربیت آن است که بدین روش تحقق یابد؛ زیرا محبت با فطرت و سرشت آدمی سازگاری زیادی دارد و پذیرش آن‌ها از ناحیه درون و بدون هیچ گونه تحمیلی است. محبت اطاعت آور است و سبب هم‌سانی و همراهی فرزند با والدین و مربیان می‌شود (سوهانی، قائمی، و کیلی و آهنگران، فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۳۰: ۸۰).

د. الگوی مدرسه مطلوب با تحلیل مبانی انسان‌شناختی استاد مطهری (ره)

الگوی «د» نشان می‌دهد که بر اساس حلقه اول مدرسه مطلوب بر اساس تحلیل مبانی فلسفی انسان‌شناختی / استاد مطهری، پرورش تفکر و تعقل، استعدادیابی فراگیران، تقویت گرایش به عشق و پرستش و پرورش روح و جسم به صورت توأمان و نیز بیداری فطرت در ایشان را وجهه همت خود قرار می‌دهد و با نظر به حلقه دوم توجه به فطریات احساسی و ادراکی و خواستنی، تقویت قدرت اراده و حس فلسفی و با نظر به حلقه سوم تقویت آزادگی، گرایش به امور خیر و فضایل اخلاقی، قدرت خلاقیت و هنر، توجه توأمان به جسم و روح متربیبان و نیز توجه به تأثیرپذیری معلم و متعلم از یکدیگر و با نگاه به حلقه آخر الگو فراهم نمودن زمینه تکامل دانش‌آموران، سوق دادن ایشان به سوی عبادت حقیقی و تدارک برنامه‌های تحکیم دینداری، تقویت اصول انسانی، اداره مدرسه با محبت و مهربانی و بهره‌گیری از قرآن و سنت و معرفی انسان‌های الگو از جمله ویژگی‌های مدرسه مطلوب بر اساس مبانی انسان‌شناختی / استاد مطهری می‌باشد.

نتیجه بحث

﴿وَالْعَصْرِ ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾ (سوره عصر)

«سوگند به عصر، همانا انسان در زیان است، مگر آنان که ایمان آورده و شایسته عمل کرده و یکدیگر را به حق و صبر و مقاومت توصیه کرده‌اند»

با تجمیع نظرات و دیدگاه‌های استاد، در خصوص مبانی انسان‌شناختی، می‌توان گفت مدرسه مطلوب در جهت تحقق استعداد‌های فراگیران برنامه‌ریزی می‌کند. در این مدرسه دیدگاه انسان‌گرایانه برنامه‌های آموزشی و پرورشی در پرتو سایر برنامه‌ها، گم و محو نمی‌شوند و کلیه برنامه‌ها از ویژگی انسان‌شناختی برخوردارند. در مدرسه مطلوب، فقط تراز علمی مدرسه نشان لیاقت و شایستگی آن واحد آموزشی نیست بلکه طراحی اهدافی بر اساس فطریات و استعداد‌های فراگیران مورد نظر است، که شاید نتوان با شیوه‌های معمول ارزشیابی آن‌ها را سنجید. از آن جمله است: تأکید بر پرورش تفکر و تعقل در فراگیران، ورود فراگیران و آشنایی ایشان با تزکیه نفس، اهمیت به پرورش روح و نیز تقویت جسم فراگیران، آموزش راه‌های محبت و کمک به خلق خدا به عنوان مقدمه‌ای برای قرب به خداوند. در این مدرسه، تمام برنامه‌ها در جهت پرورش انسانی متعادل طراحی می‌شود. هم به برنامه‌های فردی و هم به برنامه‌های اجتماعی توجه می‌گردد. در مدرسه مطلوب، به انواع فطریات انسان، اعم از خواستنی‌ها و احساسی و ادراکی توجه می‌شود.

امروز برنامه‌های فشرده آموزشی و گردش شتابان کار روزانه مدارس و تمرکز عمده آن‌ها بر پیشرفت تحصیلی و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای موفقیت در کنکور دانشگاه‌ها، فرصت و امکان دانش‌آموز برای توسعه حیات روحی و معنوی و یافتن خویشتن خویش را کاهش می‌دهد، حال آنکه در جامعه اسلامی، مدرسه‌ای مطلوب است که فکر کردن را از مختصات خاص فراگیران خود بداند و خود را از حافظه پروری صرفاً مبرا سازد. در این مدرسه، شرایط به گونه‌ای مهیا می‌شود و روش‌های تدریس به شیوه‌ای طراحی می‌شود که دانش‌آموزان از حسّ فلسفی و کشف حقیقت یا به عبارتی حسّ کاوشگری لذت ببرند، نه از راه اجبار بلکه از راه اراده و اختیار. در این مدرسه، مراحل حلّ مسأله و کیفیت حلّ مسأله، آموزش داده می‌شود و نه آنکه لقمه‌های حاضر و آماده در اختیار مترجمان قرار گیرد. دانش‌آموزانی که گرایش به خیر و فضیلت دارند، مورد تشویق قرار می‌گیرند. تردیدی نیست که یکی از مهم‌ترین وظایفی که این مدرسه دارد، پرورش خلاقیت و ابداع در فراگیران است. زیرا استاد آن را فطری انسان و عامل سرور و شادمانی کودکان و نوجوانان می‌داند و بر خلاف آنچه که اغلب شاهدیم هنر، فدای دروس به

اصطلاح هدف مدارس، مانند علوم تجربی و ریاضی نمی‌شود. تمام کودکان و نوجوانان در مدرسه مطلوب، می‌توانند در مراتب خود خلاق باشند و خلاق باقی بمانند. در این مدرسه، معلّم در جایگاهی متعلّم نیز هست و متعلّم در جایگاهی، می‌تواند معلّم نیز باشد. از جمله دیگر ویژگی‌های مدرسه مطلوب این است که برنامه‌های متنوعی را برای تقویت اراده و اختیار فراگیران طراحی و اجرا می‌نماید تا دانش‌آموزان با میل و رغبت و آزادی اراده، جنبه فرشته‌ای خود را بر جنبه حیوانی خود ترجیح دهند. آن‌ها را به جایی می‌رساند که عبادت و عشق به خداوند، اصل زندگی آن‌هاست. دوری از خداوند، درد اصلی آن‌ها است، آن‌ها می‌دانند که هرچه دیندارتر، می‌توانند عالم‌تر نیز باشند. دین، مولود جهل نیست. دین فطری هر کسی است. در مدرسه مطلوب، درس آزادگی داده می‌شود. فارغ التحصیلان این مدارس باید انسان‌هایی باشند، آزاد که تحت هیچ شرایطی زیر بار ذلت و خواری نروند. آن‌ها انسان‌هایی پایبند به اصول اخلاقی و انسانی، پرورش می‌یابند. در این مدارس، والدین نیز مسئولیتی سنگین بر عهده دارند و باید به آن‌ها آموزش داده شود که مراقبت نمایند تا کودکان بر فطرت الهی خود باقی بمانند.

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيُّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (روم / ۳۰)

«پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیش‌ها روی به خدا آری و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است، پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند»

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابوطالبی، مهدی. ۱۳۸۶ش، تربیت دینی از دیدگاه امام علی، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- افخمی اردکانی، علی محمد. ۱۳۹۰ش، تبیین روش‌های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه، مجموعه مقالات چاپ شده در همایش ملی آموزش ابتدایی، ش: ۲۱ و ۲۲
- باقری، خسرو. ۱۳۸۵ش، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مدرسه.
- بهشتی، سعید. ۱۳۸۶ش، زمینه‌ای برای بازشناسی و نقادی فلسفه تعلیم و تربیت در جهان غرب، تهران: اطلاعات.
- بولا، اچ‌واس. ۱۳۷۵ش، ارزشیابی طرح و برنامه‌ی آموزشی برای توسعه، ترجمه خدایار ابیلی، تهران: مؤسسه بین‌المللی روش‌های آموزش بزرگسالان.
- بیلر، رابرت. ۱۳۹۰ش، کاربرد روان‌شناسی در آموزش، ترجمه پروین کدیور، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حسینی، افضل السادات. ۱۳۸۸ش، یادگیری خلاق، کلاس خلاق، تهران: مدرسه.
- داودی، محمد. ۱۳۸۹ش، سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- داودی، محمد. ۱۳۹۰ش، نقش معلم در تربیت دینی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رجبی، محمود. ۱۳۹۵ش، انسان‌شناسی، قم: مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی(ره).
- فکوهی، ناصر. ۱۳۸۲ش، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.
- ماوردیانی، کامران. ۱۳۸۰ش، آنچه مدیر، معلم، مشاور و مربی تربیتی باید بدانند، تهران: آرین.
- محبی، عظیم و همکاران. ۱۳۹۴ش، مدرسه در آینه تعالی، تهران: معین.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۶۱ش، گفتارهای معنوی، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۶۹ش، شناخت انسان، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۱ش، اصول تربیت، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۱ش، تکامل اجتماعی انسان، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۲ش، انسان در قرآن، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۲ش، انسان کامل، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۲ش، توحید، قم: صدرا.
- معینان، داود و صفائی، فاطمه. ۱۳۸۸ش، گذری بر فلسفه آموزش و پرورش، قم: عترت.
- ملکی، حسن. ۱۳۸۵ش، مبانی و اصول تربیت، زنجان: نیکان کتاب.
- ملکی، حسن. ۱۳۹۰ش، تعلیم و تربیت اسلامی؛ رویکرد کلان‌نگر، تهران: عابد.

نساجی زواره، اسماعیل. ۱۳۹۴ ش، آسیب شناسی تربیت دینی دانش آموزان، تهران: محمد فایز. وزارت آموزش و پرورش. ۱۳۹۰ ش، سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش.

مقالات

- اکران، طیبه و گلی، مهرناز. ۱۳۹۶ ش، «سبک تغذیه در سلامت انسان از دیدگاه آیات و روایات»، فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۲۲، صص ۱۵۹-۱۷۶.
- بانوشی، سعید. ۱۳۸۸ ش، «تبیین نظام تعلیم و تربیت از دیدگاه شهید مطهری»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- بهزادپور، محمدرضا. ۱۳۹۷ ش، «نفس، فطرت و اخلاق در سوره مبارکه شمس»، فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۲۲، صص ۶۷-۸۴.
- حسینی، سیدحسن. ۱۳۸۸ ش، «انسان شناسی دینی تربیتی از منظر شهید مطهری»، نشریه معرفت، ش ۱۴۱.
- حکمت آرای، محمد کریم و سلطانی، عادل. ۱۳۹۵ ش، «تأثیر نماز بر وجدان کاری و ایجاد تعهد شغلی از منظر آیات و روایات»، فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۲۵، صص ۱۰۳-۱۳۱.
- سوهانی، عاطفه و قائمی امیری، علی و وکیلی، نجمه و آهنگران، خلیل. ۱۳۹۶ ش، «تبیین نقش مربیان و والدین در تعمیق باورهای دینی در کودکان با رویکرد قرآنی»، فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۲۰، صص ۶۷-۸۶.
- صاحبکار، علیرضا. ۱۳۸۸ ش، «بررسی نظریه انسان شناسی شهید مطهری و دلالت های آن در حوزه تربیت اخلاق»، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- صالحی، اکبر و همکاران. ۱۳۹۴ ش، «نگاهی جامع به تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری با تأکید بر اصول، اهداف و روش های تربیتی»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۲۵.
- علی زاده، قدرت الله و سلیمی، قربانعلی. ۱۳۹۰ ش، «رابطه فرهنگ سازمانی و بهبود کیفیت مدارس متوسطه شهر اصفهان»، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، ش ۱۴.
- فراهانی کیشانی، عزت اله و فراهانی فرمهبینی، محسن. ۱۳۹۲ ش، «مؤلفه های اساسی تربیت شهروند اسلامی - ایرانی»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۴.
- مذبوحی، سعید. ۱۳۹۱ ش، «مقایسه اندیشه دیوبندی و ایزنر در برنامه درسی و دلالت های برای برنامه درسی ایران»، همایش آموزش در ایران ۱۴۰۴.

ملکی، حسن، شاملی، عباسعلی و شکرالهی، مهدی. ۱۳۹۰ش، «تربیت عبادی کودکان»، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ش ۵.

ملکی، حسن. ۱۳۹۰ش، «اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری»، فصلنامه مصباح، ش ۵۰.

ملکی، سکینه. ۱۳۹۴ش، «بررسی مفاهیم انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و ارزش‌شناسی از دیدگاه شهید مطهری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، مرکز همدان.

هاشمی، سهیلا و خبازی کناری، مهدی و کاظمی، سیده فاطمه. ۱۳۹۶ش، «تحلیل رویکردهای هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه اساتید دانشگاه در فرایند تدریس»، دوفصلنامه برنامه درسی آموزش عالی، ش ۱۵.

Bibliography

The Holy Quran.

- Abutalebi, Mehdi. (1386). Religious education from the perspective of Imam Ali. Qom: Imam Khomeini Institute of Educational and Research Institute
- Afkhami Ardakani, Ali Mohammad. (1390). Explaining the methods of social upbringing in Nahj al-Balaghah. Published article, collection of articles published at the National Elementary Education Conference, 21 and 22
- Ekran, Tayyeb and Goli, Mehrnaz (1396). Nutrition style in human health from the perspective of verses and narrations, *Quranic Studies Quarterly Journal*, p. 159-176
- Bagheri, Khosrow. (1385). A look at Islamic education. Tehran: school.
- Banshee, Saeed. (2009). A description of the education system from the point of view of Shahid Motahari. Master's Thesis, Unpublished, Shiraz University.
- Bola, Achus. (1375). Evaluation of the plan and educational program for development. (Goddard Abyli, translator). Tehran: International Institute for Adult Education.
- Behzadpour, Mohammad Reza (1397). Enthusiasm, Fitrah and Ethics in the Sura of Mobarakei Shams, *Quarterly Journal of Qur'anic Studies*: p. 22, p.66-84.
- Beheshti, Saeed. (1386). A ground for the recognition and critique of the philosophy of education in the Western world. Tehran: Information.
- Biller, Robert. (1390). Application of Psychology in Education. (Parvin Kadivar, translator). Tehran: Academic Publishing Center.
- Hosseini, Seyed Hassan (1388). Educational religious anthropology from the perspective of Martyr Motahhari. *Journal of Knowledge*, p. 141
- Hosseini, Afzal Sadat. (1388). Creative learning, creative class. Tehran: school.
- Davoudi, Mohammad. (1389). The educational system of the Prophet (PBUH) and Ahlul-Bayt (AS), c. 3. Qom: Institute of Hawaii and University.
- Davoudi, Mohammad (1390). Teacher role in religious education. Published article, Qom: Research Center and University.

Hekmataray, Mohammad Karim and Soltani, Adel (1395). Effect of prayer on work conscience and creation of job commitment from the perspective of verses and narrations, *Quarterly Journal of Qur'anic Studies*, p. 25, pp. 103-131.

Rajabi, Mahmoud. (1395). *Anthropology*. Qom: Imam Khomeini Institute of Education and Research.

A document on the fundamental transformation in education. (1390). Ministry of Education.

Sohani, Affection. Ghaemi Amiri, Ali. Lawyers, Najmeh and Ahangaran, Khalil (1396). Explaining the Role of Coaches and Parents in Deepening Religious Beliefs in Children with a Quranic Approach, *Quranic Studies Quarterly*, Sakht 20 p.66-86

The owner, Alireza. (1388). The study of the anthropological theory of Martyr Motahari and its implications in the field of moral education. Unpublished Thesis: Allameh Tabatabaie University, Faculty of Psychology and Educational Sciences.

Salehi, Akbar et al. (1394). Comprehensive view of Islamic education from Shahid Motahari's point of view, emphasizing principles, goals and educational methods. *Quarterly Journal of Research on Islamic Education Issues*.

Alizadeh, Qatulullah and Salimi, Ghorbanali. (1390). The Relationship between Organizational Culture and Improving the Quality of Secondary Schools in Isfahan. *Knowledge and Research in Educational Sciences*, Islamic Azad University: Sh. 14

Farahani Kishani, Ezzataleh and Farahani Farmahini, Mohsen. (1392). Basic Components of Islamic-Iranian Citizen Education. Published essay, *National Science Quarterly Journal*.

Fakouhi, Nasser (1382). *History of thought and anthropology*. Outstanding

Mawrdani, Kamran. (1380). What the manager, teacher, counselor and educator should know. Tehran: Erin.

Mohebi, Azim et al. (1394). *School in the mirror of excellence*. Tehran, Moin.

Alabouhi, Saeed. (1391). Comparison of Dewey and Eisner's Thinking in Curriculum and Signs for a Program in Iran. Published article, *Education Conference in Iran 1404*.

Motahari, Morteza. (1361). *Spiritual speeches*. Qom: Sadra.

Motahari, Morteza. (1369). *Cognition of man* Tehran: Sadra.

Motahari, Morteza. (1371). *Principles of education*. Tehran, Sadra.

Motahari, Morteza. (1371). *Human social development*. Tehran: Sadra.

Motahari, Morteza. (1372). *perfect human*. Tehran: Sadra

Motahari, Morteza. (1372). *Man in the Qur'an*. Qom: Sadra.

Motahari, Morteza. (1372). *Monotheism* Qom: Sadra.

Motahari, Morteza. (1372). Motahhari and the value of the recognition of freedom. *Pegah Hoseh Magazine*: 129.

Mean, Davood and Safa'i, Fatima. (2009) *Transition to the philosophy of education*. Qom: Etrat.

Maleki, Sakineh. (1394). The study of the concepts of anthropology, ontology, epistemology and theological value from the viewpoint of Martyr Motahari. Master's Thesis, Unpublished: Payame Noor University, Hamedan Center.

Maleki, Hasan, Shamly, Abbasali and Shokrolahi, Mehdi. (1390). Child worship. Published article, Imam Khomeini Educational and Research Institute (RA), *Islam and Educational Research*: 5th.

Maleki, Hassan. (1390). Principles of Islamic Education from the Viewpoint of Martyr Motahari. Published article, *Mesbah chapter*, 50th.

Zavareh Textile, Esmail. (1394). *Pathology of religious education of students*. Tehran: Mohammad Fa - Hashemi, Soheila. Farewell bite, Mehdi and Kazemi, Seyyedeh Fatemeh.

(1396). An Analysis of the Ontological and Epistemological Approaches of University Teachers in the Teaching Process. Published essay: A two-part curriculum for higher education:yez.

